



نقش مؤسسه امام خمینے (۱۵)

## در پیداری اسلامے

دوم صاحبہ با حجت الاسلام والمسلمین ابوالحسن حقانے

تھیوٹنظیم: حسن ابراہیم زادہ - محمد ملک زادہ



خیلی روشن است؛ هدف مشترک دشمنان اسلام - چه داخلی و چه خارجی - یک چیز واحد است. آنها از ایجاد اسلام ناب محمدی واهمه دارند، نه اسلام آمریکایی. در کشورهای خارجی، آخوندهایی که طرفدار این گونه اسلام هستند، نه تنها آزادی دارند که حمایت هم می‌شوند.

ما به عنوان امام جمعه، به عنوان مبلغ یا به عنوان دیگر در هر منطقه و شهر و هر دانشگاهی که بودند، تبلیغ هم داشتند. آنها از ایران، از انقلاب و از امام صحبت می‌کردند. همچنین مقالاتی که در کلاس‌های دانشگاه ارائه می‌کردند و پایان‌نامه‌هایی که نوشته شد، اینها همه بینش معرفتی نسبت به اسلام و انقلاب داشته است.

**فرهنگ‌پویا** در مورد تأثیر علامه مصباح نسبت به اندیشمندان یا شاگردان ایشان در اقصی نقاط دنیا و همچنین واکنش‌های مخالفان، اگر خاطر‌های دارید بیان فرمایید.

**حجت‌الاسلام والمسلمین حقانی:** ایشان به کوچک‌ترین نکات ریز هم توجه داشتند. به عنوان نمونه ما دانشجویانی داشتیم که به ایران آمده بودند تا یک دوره اسلام‌شناسی ببینند و برگردند. نحوه ارتباط عاطفی که علامه با این دانشجویان داشتند، بسیار جالب بود؛ مثلاً برخی دانشجویان فرزند خردسالی با خود همراه داشتند. علامه مصباح گاهی این بچه را بغل می‌کرد، می‌بوسید و دست نوازش بر سرش می‌کشید. آنها می‌دیدند که رئیس یک مؤسسه وقت گذاشته بچه را گرفته و نوازشش می‌کند و... این چقدر تأثیر دارد. حالا هر چه بگویند اسلام دین خشونت است، در حالی که این هم یک عالم دینی که الگوی دین اسلام است و این رفتار عاطفی را با دیگران دارد.

**فرهنگ‌پویا** این دانشجویان مسلمان بودند یا غیر مسلمان؟

**حجت‌الاسلام والمسلمین حقانی:** دانشجوی غیر مسلمان بودند. البته این یک مورد جزئی است. مورد دیگر استاد در دانشگاه آمریکای لاتین در جمع صدها دانشجوی دختر، بحث حقوق زن و مرد را مطرح کردند. مسئله دیه، ارث و... از مسایلی است که به این سادگی برای یک غیر مسلمان قابل فهم نیست. وقتی این سخنان تمام شد، همه مجذوب سخنان ایشان شدند و دوست داشتند ادامه پیدا کند. تعدادی دانشجوی غیر مسلمان بودند که شاید از اسلام و انقلاب چیزی نمی‌دانستند

**فرهنگ‌پویا** جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حقانی! سؤال در خصوص جایگاه و نقش مؤسسه امام خمینی (ره) در بیداری اسلامی - گذشته، حال و آینده - است. هم اکنون در جهان اسلام بحث بیداری اسلامی مطرح است. تعاملی که این مؤسسه با اندیشمندان مسلمان جهت شکل‌گیری برخی هسته‌ها در خارج از کشور داشته و نیز نقش آن در بیداری اسلامی، چگونه بوده است؟

**حجت‌الاسلام والمسلمین حقانی:** به نظر می‌رسد همان نقشی را که مؤسسه علامه آیت‌الله مصباح (مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی) در خود کشور جمهوری اسلامی داشته و دارد، می‌توانیم برای خارج از ایران هم در نظر بگیریم و مسئله اساسی در این نقش، مسئله معرفتی است. آیت‌الله مصباح در طول سالیان قبل از انقلاب، در دوران انقلاب و بعد از انقلاب و در بحران‌های مختلف سیاسی، به مسئله بینش اهمیت می‌دادند و اگر اشتباه نکنم، یکی از وظایفی را که ایشان در قبل از انقلاب برای خود تشخیص دادند و ضمن همراهی با بزرگان انقلاب مثل شهید بهشتی و شهید قدوسی که با پیروی از امام راحل (ره) به آن همت گماردند، بالا بردن سطح بینش طلاب بود و بر همین اساس برنامه دقیقی را برای ارتقای فکر دینی طلاب داشتند. ایشان دوست داشتند همین مسئله در برنامه‌های خارج از کشور هم اجرا بشود.

سفرهای خود استاد به کشورهای مختلف جهان اعم از کشورهای آمریکایی و اروپایی و عربی و کشورهای دیگر بر همین اساس بود. هدف ایشان در صحبت‌ها و مذاکراتی که داشتند و در سمینارهایی که شرکت می‌کردند، بالا بردن سطح بینش مردم نسبت به اسلام و انقلاب بود. شاید کسی که به ظاهر نگاه می‌کرد، فکر نمی‌کرد که ایشان بحث سیاسی مطرح می‌کند، اما وقتی دقت می‌کرد، متوجه می‌شد که ایشان مسائلی را بر اساس فهم و توقعات مردم آن منطقه و بر اساس موقعیت‌هایی که آن مردم داشتند، برای دانشجویان، اساتید دانشگاه و مردم عادی هر کدام به نحوی مطرح می‌کردند. همین‌طور با اندیشمندان هر کشور اعم از مسلمان و غیر مسلمان و در میان مسلمانان با مسلمان شیعه و غیر شیعه به نحوی این روش را در خارج داشتند و همین روش را به ما هم یاد دادند. موضوع دیگر اعزام افراد از مؤسسه در قالب دانشجوی برای کشورهای خارج بود. دانش‌پژوهان مؤسسه که به این کشورها اعزام می‌شدند، یک دانش‌پژوه یا یک دانشجوی نبودند تا بروند دانشگاه فقط درس بخوانند و آن دوره‌های آموزشی را بگذرانند و پایان‌نامه بگیرند. البته باید این کارها انجام می‌شد، اما در کنار این‌ها دانش‌پژوهان



یا کم می دانستند.

بارها شده که مثلاً عده‌ای به لحاظ فکری نظرات متفاوتی با آیت‌الله مصباح داشتند، اما وقتی با ایشان در جلسه‌ای صحبت می‌کردند، راضی بودند. اینها شیوه‌هایی بود که ایشان برای برخورد با دیگران داشتند. شاگردان ایشان هم همین طور بودند و وقتی با مردم مسلمان و غیر مسلمان ارتباط عاطفی برقرار می‌کردند، همین باعث می‌شد که اسلام به معنای صحیح، حداقل برای یک نفر یا چند نفر روشن بشود. ایشان عنایت داشتند به اینکه عده‌ای بیایند اینجا و ببینند این کشور و این جمهوری اسلامی را و اینها شیوه‌هایی است که ما یاد گرفتیم.

**فرهنگ پویا** جناب آقای حقانی! اگر ممکن است اسامی برخی اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان را که با مؤسسه و علامه ارتباط داشتند ذکر بفرمایید. به عنوان مثال ما موارد جالبی داریم. سال گذشته امام جمعه واشنگتن در کانون طلوع به انگلیسی صحبت کرد و برخی هم به انگلیسی با او صحبت می‌کردند و یا علامه از سفری که چند سال قبل به بوسنی داشتند، فرمودند که قطب آن‌ها دست ایشان را بوسید، یا آن بزرگ اهل سنت که در کردستان به شهادت رسید، به علامه ابراز علاقه شدید می‌کرد و موارد دیگر. حجت‌الاسلام و المسلمین حقانی: علمای اهل تسنن

خوزستان چندین بار خدمت حضرت آیت‌الله مصباح رسیدند. آن‌ها به قدری تعریف و تمجید کردند که گویا فقط ایشان به عنوان مراد آن‌ها بودند، در حالی که آیت‌الله مصباح را همه می‌شناسیم که اهل ولایت هستند. این به خاطر رابطه عاطفی است که علامه با آن‌ها برقرار کرده و آن‌ها را به سمت شیعه و اسلام به معنای واقعی سوق داده است.

نمونه دیگر در مورد برخی بزرگان علمی دانشگاه است. به عنوان مثال آقای دکتر کنزین از دانشگاه اینسبرگ اتریش، با ایشان ارتباط علمی و عاطفی بسیار برقرار کرد. در این‌جا صرف مسئله عاطفی نیست؛ زیرا همان طور که عرض کردم، اساس کار آیت‌الله مصباح بر پایه بینش و معرفت است. بُعد عاطفی هم باز بر اساس بینش مطرح هست. ایشان کتاب آموزش فلسفه آیت‌الله مصباح را در کشورش به عنوان کتاب درسی قرار داد. او از اتریش به ایران می‌آید فقط برای این که دو سه ساعت جلسه با آیت‌الله مصباح داشته باشد و سؤالات فلسفی از ایشان پرسد و برگردد. یا آقای پرفسور جیمز رایمر از تورنتو کانادا که از دنیا رفتند. ایشان در آخرین سمیناری که ما در ایران داشتیم، بنا بود به عنوان رئیس و سخنگوی هیئت صحبت کند. ایشان با ادای احترام در مورد آیت‌الله مصباح سخن می‌گفت.

آیت‌الله مصباح خیلی بزرگ هستند. چگونه می‌توان حق ایشان را

دانش پژوهان مؤسسه که به این کشورها اعزام می‌شدند، یک دانش پژوه یا یک دانشجو نبودند تا بروند دانشگاه فقط درس بخوانند و آن دوره‌های آموزشی را بگذرانند و پایان نامه بگیرند، آن‌ها به عنوان امام جمعه، به عنوان مبلغ یا به عنوان دیگر در هر منطقه و شهر و هر دانشگاهی که بودند، تبلیغ هم داشتند.



علمای اهل تسنن خوزستان چندین بار خدمت حضرت آیت الله مصباح رسیدند. آن‌ها به قدری تعریف و تمجید کردند که گویا فقط ایشان به عنوان مراد آن‌ها بودند، در حالی که آیت الله مصباح را همه می‌شناسیم که اهل ولایت هستند.

مصباح است، علیه ایشان به خاطر آیت الله مصباح جوسازی کردند؛ چون دشمن به اهمیت شخصیت آیت الله مصباح پی برده است.

**فهرست پویا** امروز به موازات ترور دانشمندان هسته‌ای و جوسازی علیه سپاه قدس، جوسازی علیه شاگردان آیت الله مصباح هم داریم. علت چیست؟ آیا این طور برداشت نمی‌شود که دشمنان همانطور که در بعد علمی و فناوری روز می‌خواهند در برابر انقلاب بایستند، چون شاگردان آیت الله مصباح هم از نظر بینشی همان تفکر ناب امام را ترویج می‌کنند، لذا در مقابل آنان می‌ایستند؟

حجت الاسلام والمسلمین حقانی: خیلی روشن است؛ هدف مشترک دشمنان اسلام - چه داخلی و چه خارجی - یک چیز واحد است. آنها از ایجاد اسلام ناب محمدی واهمه دارند، نه اسلام آمریکایی. در کشورهای خارجی، آخوندهایی که طرفدار این گونه اسلام هستند، نه تنها آزادی دارند که حمایت هم می‌شوند. با هر فکری و هر شخصیتی که در این راه قدم بردارد، مبارزه می‌کنند، منتها مبارزات دشمنان مختلف است. گاهی مستقیماً نمی‌توانند علیه ما حرف بزنند. برخی در ایران در برهه‌ای به ضررشان است علیه آقا چیزی بگویند، ولی می‌توانند علیه آیت الله مصباح و شاگردانشان سخن بگویند. یک زمانی

ادا کرد. این خیلی اهمیت دارد که از جاها و کشورهای مختلف از طریق نامه یا از طریق واسطه‌ها بارها به من مراجعه کردند و با ابراز ارادت نسبت به آیت الله مصباح گفتند اگر روزی بیایم ایران، دوست داریم با آیت الله مصباح دیدار داشته باشیم. با اینکه حضرت آیت الله مصباح به طور دائم در کشوری رفت و آمد نداشتند، اما آن قدر تأثیر و تأثر معرفتی بوده که این خاطرات در ذهن آن‌ها مانده که دوست داشتند وقتی ایران می‌آیند، ایشان را ملاقات کنند.

من کشورهای زیادی رفته‌م و هر کجا می‌رفتم، از حضرت آیت الله مصباح به عنوان یک دانشمند بزرگ و اندیشمند اسلامی یاد می‌کردند. اگر از طرف دیگر به قضیه نگاه کنیم، به اهمیت مؤسسه و شخصیت ایشان پی می‌بریم و این که دشمنان اسلام، چگونه با ایشان مقابله می‌کنند. چند نمونه عرض می‌کنم. در سمیناری که در کانادا برگزار شد در سایت‌ها و روزنامه‌ها تبلیغات وسیعی علیه این سمینار شد. برخی باور نمی‌کردند که این‌ها اینقدر جدی باشند و بنای بر هم زدن سمینار را داشته باشند، در حالی که آن سمینار کاملاً علمی و در مورد بحث‌های فلسفی بود. این را می‌شد از مقالات فهمید. اما چرا اینها اینقدر شلوغ کردند و می‌خواستند به هم بزنند؟ چون حساسیت خاصی نسبت به شخصیت آیت الله مصباح داشتند و حتی مثلاً آقای دکتر لگنهاوزن که می‌خواست در یک سمینار در آلمان شرکت کند، چون می‌دانستند که ایشان در مؤسسه آیت الله

مسئله سرورش مطرح بود. ایشان وقتی به کانادا آمد و با اعوان و اصحابش مستقر شد، تنها گروهی که مستقیم و غیر مستقیم مبارزه کرد و نگذاشت که ایشان در آنجا از نظر فکری دوام بیاورد، شاگردان آیت‌الله مصباح بودند. در سخنرانی ایشان شرکت می‌کردند، سؤال داشتند، مناظره داشتند، در جلسات دانشجویی مطالبی بیان می‌کردند و ایشان نتوانست دوام بیاورد و از نظر فکری ضربه خورد.

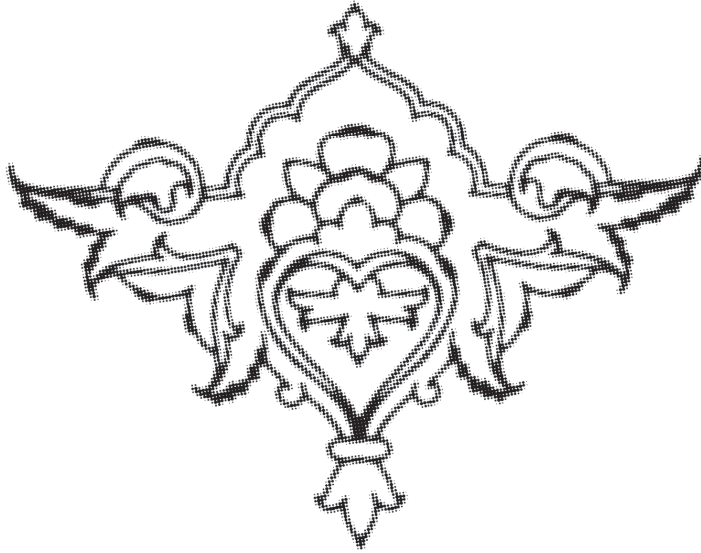
**فرهنگ پویا** کسانی که با فرهنگ و تمدن غرب در ارتباطند و به آن سمت می‌روند، غالباً دچار ریزش می‌شوند. اما این ریزش در شاگردان علامه مصباح مشاهده نمی‌شود. آن‌ها وقتی به غرب می‌روند نه تنها ریزش نمی‌کنند که محکم‌تر می‌شوند. دلیل این موضوع چیست؟

حجت‌الاسلام والمسلمین حقانی: ما همه اینها را مدیون حضرت آیت‌الله مصباح می‌دانیم که زحمت‌های فراوانی کشیدند، شاگردانی تربیت کردند که هم از نظر اخلاقی و هم از نظر علمی با دست پر از اینجا رفتند. چند عامل باعث می‌شود بعضی‌ها بروند و دیگر برنگردند؛ یکی مسئله تقوا و عکسش هوای نفس است. ممکن است کسی مظاهر دنیای غرب را ببیند ولو اینکه نمازخوان هم باشد، اما در غرب آزادی به آن معنا که خودش می‌خواهد می‌بیند یا بعد علمی‌اش را می‌بیند. دل‌باخته آن کشور می‌شود و همان‌جا می‌ماند، اما کسانی که از مؤسسه اعزام شدند؛ هم از نظر دینی و اخلاقی در سطح بالایی بوده‌اند و هم از نظر علمی. آیت‌الله مصباح عنایت داشتند که تقوای اینها محرز شود و بعداً اعزام شوند. همچنین از نظر بعد عقیدتی هم پایه‌های دینی‌شان قوی باشد تا در برابر انحرافات و افکار انحرافی، اینها نه تنها منحرف نشوند؛ بلکه بتوانند از اسلام دفاع کنند. این علت اصلی است که وقتی دوستان به خارج می‌روند، هم تقوا دارند و هم پایه‌های عقیدتی خوبی دارند و لذا وقتی درسشان تمام شد، متعهد می‌شوند خودشان برگردند. هیچ کدامشان به زور قانون برنگشته‌اند. حتی اوایل تعهد کتبی هم نبوده و بعضی از دوستانی هم که آنجا مستقر شدند، به خاطر ظواهر دنیا نبوده؛ بلکه به عنوان مبلغ دینی و مبلغ اسلام و شیعه آنجا مستقر شدند. بعضی از افراد هم به طور تدریجی می‌روند و برمی‌گردند. هیچ موردی نداریم که کسانی بروند و بخواهند بی‌جهت بمانند.

**فرهنگ پویا** موج جدید بیداری اسلامی به راه افتاده است. مقام معظم رهبری هم اشاره فرمودند: یقیناً همان موانعی که پیش روی انقلاب ما گذاشتند، پیش روی انقلاب‌های دیگر



با اینکه حضرت آیت‌الله مصباح به طور دائم در کشوری رفت و آمد نداشتند، اما آن قدر تأثیر و تأثر معرفتی بوده که این خاطرات در ذهن آن‌ها مانده که دوست داشتند وقتی ایران می‌آیند، ایشان را ملاقات کنند.



حجت الاسلام والمسلمین حقانی: با کشورهای مثل مالزی کم کم داریم ارتباط برقرار می‌کنیم.

**فرهنگ پویا** خود علامه هم مسافرت داشته‌اند؟ به چند کشور؟

حجت الاسلام والمسلمین حقانی: نزدیک به چهل کشور ایشان حضور پیدا کردند؛ هم کشورهای آمریکایی، هم اروپایی و هم آفریقایی. ایشان اکثر کشورهای بزرگ رفتند و سخنرانی داشتند.

**فرهنگ پویا** آیا ارتباط نامه‌نگاری هم حتی‌الامکان بین اندیشمندان برقرار است؟

حجت الاسلام والمسلمین حقانی: با آن گستردگی که تصور می‌کنید نه. یکی از برنامه‌هایی که ان‌شاءالله خواهیم داشت این است که بتوانیم گفت‌وگوهای آیت‌الله مصباح و سخنرانی‌هایی که داشتند را جمع‌آوری کنیم و مثل آن سفری که در آرژانتین داشتند، به صورت کتاب چاپ کنیم. همین برنامه را هم برای ایشان در کشورهای دیگر ان‌شاءالله خواهیم داشت.

**فرهنگ پویا** از این که وقتتان را در اختیار ما قرار دادید متشکریم. در پایان اگر نکته‌ای هست بفرمایید.

حجت الاسلام والمسلمین حقانی: من هر سفری که به دانشگاه‌های مختلف می‌رفتم و حضور پیدا می‌کردم، وقتی مؤسسه و همچنین آیت‌الله مصباح مطرح می‌شد، آن‌ها شناخت داشتند و آن را یک دانشگاه معتبر علمی می‌دانستند و خواستار تعامل دانشگاه خود با مؤسسه بودند. وقتی معاون آموزشی و عده‌ای از مسئولان دانشگاه سربین فرانسه که یکی از مهم‌ترین و بزرگترین دانشگاه‌های معتبر دنیاست به مؤسسه آمدند و جلسه‌ای با آیت‌الله مصباح داشتند، خواستار تعامل با مؤسسه بودند. این نشان دهنده اهمیت مؤسسه است.

هم خواهند گذاشت. از جمله این موانع می‌تواند چهره‌سازی و اسلام بدلی و امثال این‌ها باشد. آیت‌الله مصباح در برخورد با این توطئه واقعاً تبصره دارند. مؤسسه چه تمهیداتی برای مقابله با این توطئه اندیشیده است؟

حجت الاسلام والمسلمین حقانی: در کشورهایی که امکان سفر باشد مثل لبنان که تحت نظر حزب‌الله لبنان هستند یا سوریه، دوستان ما با اعزام اردوهای دانشجویی، اردوهای علمی، گفت‌وگو با مسئولان و اساتید دانشگاه و اهدای کتاب‌های آیت‌الله مصباح به زبان عربی، همکاری و ارتباط با آن‌ها برقرار می‌شود. اینها بینشی که عرض کردم در بیداری اسلامی به وجود می‌آورد. همچنین بحث‌هایی در این زمینه‌ها می‌شود؛ بحث‌های مختلف سیاسی و بحث‌های دیگر که خود حضرت آیت‌الله مصباح بارها به لبنان سفر داشتند. در مورد کشورهایی مثل مصر، لیبی، تونس و امثال اینها، ما تلاش می‌کنیم که با اینها هم ارتباط برقرار کنیم.

اولین قدم این است که ما اگر بتوانیم راهمان را به این کشورها باز کنیم، ارتباط بین دانشجویان و اساتید یا دانشگاهیان مهم‌ترین قدم است؛ چرا که معرفی یک خط فکر صحیح است. اولین گام برای اجرای دغدغه‌های آیت‌الله مصباح این است که ارتباط با آن کشورها داشته باشیم. همین مسئله را ما در افغانستان داریم. بعد از حمله آمریکا می‌بینیم که در دانشگاه‌های افغانستان، شاگردان مؤسسه به عنوان استاد حضور پیدا کردند. توقعی هم نداریم. خواه امر به معروف اسمش را بگذاریم یا به عنوان تبلیغ دین یا معرفی انقلاب، اسلام و امام و مقام معظم رهبری و عنوان‌های دیگر... این کار را شروع کردیم و انجام دادیم. مهم این است که ما بتوانیم با افغانستان، سوریه، لبنان، ترکیه و کشورهای اروپایی در حد توانایی خودمان ارتباط برقرار کنیم.

**فرهنگ پویا** کشورهای جنوب شرقی آسیا چگونه؟